

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	۲۷	صفحات	۱-۱۵
------------	------	--------------	----	-------	------

مطالعه تطبیقی مفهوم ضعف نفس و غیررشد بودن در فقه امامیه و ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی

آقای صادق بردبار و آقای دکتر عادل ساریخانی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی موسسه آموز عالی علوم و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه

عضو هیئت علمی دانشگاه دولتی قم

چکیده

مفهوم «ضعف نفس» و «غیررشد بودن» از مباحث بنیادین در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران است که ارتباط تنگاتنگی با مقوله‌ی اهلیت، حجر و مسئولیت کیفری دارند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی، درصدد تبیین مبانی نظری، ماهیت حقوقی و تأثیرات فقهی و کیفری این دو مفهوم است و تلاش دارد نسبت و تعامل آن‌ها را با ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی مورد واکاوی قرار دهد. در فقه امامیه، ضعف نفس به‌عنوان حالتی نفسانی ناشی از غلبه قوه شهوانی یا ضعف اراده عقلانی تعریف می‌شود که موجب اختلال در فرآیند تصمیم‌گیری و کاهش توان تمیز در رفتارهای حقوقی و شرعی فرد می‌گردد. در مقابل، غیررشد بودن مفهومی حقوقی است که ناظر بر فقدان قدرت مدیریت صحیح در امور مالی و معیشتی است و به‌موجب آن، شخص از تصرف مستقل در اموال خود منع می‌شود. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که با وجود اشتراک مفهومی در زمینه نقصان اراده و ادراک، این دو عنوان از حیث منشأ، قلمرو و آثار حقوقی تفاوت بنیادین دارند. ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی بر حمایت از افراد غیررشد و ضعیف‌النفس در برابر سوءاستفاده دیگران تأکید دارد و به‌نوعی پیوند میان مبانی فقهی حجر و مسئولیت کیفری برقرار می‌کند. تحلیل این پیوند بیانگر آن است که شناخت دقیق معیارهای فقهی ضعف نفس و غیررشد بودن می‌تواند در تعیین حدود مسئولیت، اعتبار تصرفات مالی و ضمان کیفری نقش مؤثری ایفا کند. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که بهره‌گیری از آموزه‌های فقه امامیه در تبیین تطبیقی این مفاهیم زمینه‌ساز تقنین کارآمدتر در حوزه‌ی حقوق جزا و مدنی خواهد بود و می‌تواند از تداخل مفهومی و سوء برداشت‌های احتمالی در تشخیص مصادیق حجر و مسئولیت کیفری پیشگیری نماید.

واژگان کلیدی: ضعف نفس، غیررشد، ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی، اهلیت، حجر، مسئولیت کیفری

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

A comparative study of the concept of weakness of the soul and being un-Rashid in Imami jurisprudence and Article ۵۹۶ of the Islamic Penal Code

Mr. honest and tolerant and Dr. Adel Sarikhani

Abstract

The concepts of "self-weakness" and "un-Rashid" are among the fundamental topics in Iranian jurisprudence and criminal law, which are closely related to the category of eligibility, punishment and criminal responsibility. This research, with a descriptive-analytical method and a comparative approach, seeks to explain the theoretical foundations, legal nature, and jurisprudential and penal effects of these two concepts, and tries to analyze their relationship and interaction with Article ۵۹۶ of the Islamic Penal Code. In Imami jurisprudence, weakness of the self is defined as a sensual state caused by the predominance of the sensual power or the weakness of the rational will, which causes disruption in the decision-making process and reduces the ability to discriminate in legal and religious behaviors. becomes a person On the other hand, insanity is a legal concept that refers to the lack of proper management power in financial and livelihood affairs, and as a result, a person is prohibited from independent possession of his property. A comparative study shows that despite the conceptual commonality in the field of lack of will and perception, these two titles are fundamentally different in terms of origin, territory and legal effects. Article ۵۹۶ of the Islamic Penal Code emphasizes the protection of non-Rashid and weak-minded people against the abuse of others and somehow establishes a link between the jurisprudential foundations of Hajar and criminal responsibility. The analysis of this link indicates that the accurate knowledge of the jurisprudential criteria of weakness of the soul and non-Rashid can play an effective role in determining the limits of responsibility, the validity of financial seizures and criminal guarantees. The findings of the present research indicate that using the teachings of Imamiyyah jurisprudence in the comparative explanation of these concepts will lay the foundation for more efficient legislation in the field of criminal and civil law and can avoid conceptual interference and possible misunderstandings in identifying cases. and prevent criminal liability.

Keywords: Weakness of breath, Non-Rashid, Article ۵۹۶ of the Islamic Penal Code, Eligibility, to forbid, Criminal liability.

متن مقاله

مفهوم در منابع معتبر فقه امامیه، چگونگی انعکاس آن‌ها در ماده‌ی ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی را تحلیل نماید. هدف اصلی آن است که رابطه میان ضعف اراده، نقصان رشد، و مسئولیت کیفری تبیین شده و تأثیر مبانی فقهی در شکل‌گیری قواعد کیفری و حمایتی قانون‌گذار مورد ارزیابی قرار گیرد. یافته‌های مقدماتی نشان می‌دهد که بازشناسی دقیق این مفاهیم نه تنها در فهم ماهیت حجر و رشد اهمیت دارد، بلکه می‌تواند در توسعه‌ی نظام حقوقی عادلانه‌تر و پیشگیری از خلأهای قانونی در تعیین مسئولیت کیفری و مدنی مؤثر واقع شود.

پیشینه پژوهش ۱.

مطالعه‌ی تطبیقی مفاهیم «ضعف نفس» و «غیررشد بودن» (تاکنون به صورت مستقل کمتر مورد بررسی جامع قرار گرفته است. در منابع فقهی امامیه، بحث از ضعف نفس بیشتر در حوزه اخلاق و مسئولیت مکلفان مطرح گردیده است. فقهای چون ملا احمد نراقی در عوائد الایام و علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن، ضعف نفس را از آثار غلبه شهوت و نقص اراده دانسته‌اند که موجب سقوط انسان از مدار عقلانیت و رشد اخلاقی می‌شود (نراقی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۲۵؛ طباطبایی ج ۱۶، ص ۱۵۲). (با این حال، بیان مستقلی از آثار فقهی و حقوقی، ۱۳۷۴ آن در متون کلاسیک فقهی کمتر دیده می‌شود. در مقابل، مفهوم غیررشد بودن سابقه‌ای دیرین در باب حجر و اهلیت تصرف دارد. شیخ انصاری در مکاسب (ج ۱، ص ۴۵۲) (و شهید ثانی در المسالک (ج ۲، ص ۱۶۳)) رشد را به معنای «صلاحیت تدبیر امور مالی» دانسته‌اند و سفه یا غیررشد بودن را موجب منع از تصرف مستقل در اموال قلمداد کرده‌اند. این مبنا در قانون مدنی ایران، به‌ویژه در مواد ۱۲۰۷ و ۱۲۰۸ منعکس شده است. در حوزه‌ی حقوق کیفری نیز چند پژوهش محدود به ارتباط ماده‌ی

تبیین مفاهیم مرتبط با اهلیت و مسئولیت جزایی و مدنی در نظام حقوقی و فقهی اسلام، از بنیادی‌ترین مباحثی است که همواره مورد توجه فقها، حقوقدانان و قانون‌گذاران قرار داشته است. فقه امامیه به عنوان یکی از نظام‌های فکری عمیق و مبتنی بر عقلانیت اجتهادی، برای تشخیص مرزهای رشد، حجر و نقصان اراده معیارهای دقیقی ارائه کرده است. در میان مفاهیم مرتبط، «ضعف نفس» و «غیررشد بودن» جایگاهی خاص دارند؛ زیرا هر دو به نوعی ناظر بر نقصان در قدرت اراده و تشخیص مصلحت‌اند، با این تفاوت که منشأ، قلمرو، و آثار آن‌ها در فقه و قانون یکسان نیست. از منظر فقهی، ضعف نفس غالباً حالتی درونی و اخلاقی است که شخص را در معرض غلبه شهوات یا تمایلات ناسنجیده قرار می‌دهد و موجب می‌شود توان مقاومت عقلانی در برابر انگیزه‌های مخالف مصلحت از میان برود. در حالی که غیررشد بودن به بُعد بیرونی و حقوقی توان تصمیم‌گیری مالی و تصرفات اقتصادی مرتبط است. فقها برای اثبات حجر ناشی از سفه، معیار «عدم حسن تصرف» (را مطرح کرده‌اند که نشان‌دهنده پیوند وثیق میان غیررشد بودن و مسئولیت مالی است. در نظام حقوقی ایران، قانون‌گذار با الهام از فقه امامیه و بر اساس مبانی عقلایی، مفهوم غیررشد بودن را در حوزه‌ی حقوق مدنی و کیفری مورد توجه قرار داده است. یکی از مصادیق برجسته‌ی آن ماده‌ی ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی است که به جرم سوءاستفاده از افراد غیررشد یا ضعیف‌النفس پرداخته و هدف اصلی آن، حمایت از اشخاص فاقد رشد کامل یا دچار ضعف اراده در برابر فریب و استعمار دیگران است. با این حال، میان مفاهیم فقهی ضعف نفس و غیررشد بودن در متون فقهی و قانونی، هم‌پوشانی‌ها و تفاوت‌های قابل‌توجهی وجود دارد. پژوهش حاضر می‌کوشد با رویکرد تطبیقی، ضمن واکاوی مبانی نظری این دو

فرآیند قانون‌گذاری و تفسیر قضایی

کمک به توسعه مبانی نظری حمایت کیفری از اشخاص فاقد قدرت. ۵. اراده یا توان تشخیص در برابر سوءاستفاده دیگران

روش تحقیق. ۳.

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تطبیقی میان فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی انجام گرفته است. در این راستا، با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی، منابع اصلی فقهی مانند شرایع الاسلام محقق حلی، جواهرالکلام نجفی، مکاسب شیخ انصاری، و نیز تفاسیر قرآنی همچون المیزان فی تفسیر القرآن علامه طباطبایی، مورد بررسی تحلیلی قرار گرفته‌اند. در مرحله‌ی بعد، متون حقوقی از جمله قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، و آثار حقوق دانان معاصر نظیر کاتوزیان (۱۳۸۶)، میرمحمدصادقی (۱۳۹۸) (و هاشمی (۱۴۰۰)) تحلیل و با مبانی فقهی تطبیق داده شده‌اند. در فرآیند گردآوری داده‌ها، از روش تحلیل محتوا و استنباط فقهی بهره گرفته شده تا برداشت‌های مختلف از مفاهیم «ضعف نفس» و «غیررشید بودن» استخراج و بررسی گردد. همچنین با شیوه‌ی تطبیق قیاسی، وجوه اشتراک و افتراق میان آثار فقهی و مقررات قانونی مورد ارزیابی قرار گرفته است. از نظر قلمرو تحقیق: قلمرو موضوعی: بررسی تطبیقی مفاهیم ضعف نفس و غیررشید بودن در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران. قلمرو مکانی: نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. قلمرو زمانی: قوانین و منابع فقهی تا پایان سال شمسی. در این پژوهش از روش تحلیل منطقی گزاره‌های فقهی و ۱۴۰۴ «اصول استنباط احکام بر اساس قاعده «سلطنت» و قاعده «لا ضرر» (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۷۲؛ نجفی، ۱۳۸۱، ج ۲۵، ص ۳۴) نیز برای بررسی اثرات حجر و رشد استفاده شده است.

کلیات و مفاهیم پایه. ۴.

قانون مجازات اسلامی با مفهوم ضعف نفس پرداخته‌اند. برای ۵۹۶، نمونه، میرمحمد صادقی (۱۳۹۸) (در تفسیر قانون مجازات اسلامی ضعف نفس را بیشتر حالتی روانی دانسته که زمینه‌ساز جرم سوءاستفاده از اشخاص فاقد قدرت مقاومت اخلاقی است، نه ملاکی برای حجر قانونی. همچنین در مقاله‌ای از یوسفی و احمدی (۱۴۰۱) (با عنوان بررسی تطبیقی حجر ناشی از سفه در فقه امامیه و حقوق ایران، به‌طور ضمنی به ارتباط غیررشید بودن با رشد عقلی و اقتصادی اشاره شده، ولی تحلیل جامعی از نسبت آن با ضعف نفس ارائه نشده است. بنابراین خلاً پژوهشی آشکاری در تبیین تطبیقی این دو مفهوم میان منابع فقهی و قوانین کیفری وجود دارد. پژوهش حاضر با هدف پرکردن این خلاً به واکاوی مبانی، آثار، و تمایز مفهومی و کاربردی «ضعف نفس» و «غیررشید بودن» می‌پردازد تا زمینه‌ی تطبیق دقیق‌تر میان فقه امامیه و «قانون مجازات اسلامی فراهم گردد.

هدف کلی. ۲.

بررسی تطبیقی مفهوم «ضعف نفس» و «غیررشید بودن» در فقه امامیه و ماده‌ی ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی به منظور تبیین مرزهای مفهومی، مبانی نظری و آثار عملی آن‌ها در نظام مسئولیت کیفری و مدنی

اهداف ویژه. ۱-۲.

تحلیل مبانی فقهی ضعف نفس و غیررشید بودن در منابع معتبر امامیه. ۱. و استخراج شاخص‌های آن‌ها

تبیین ارتباط این مفاهیم با مقولات حجر، رشد و اهلیت در فقه و ۲. حقوق ایران.

بررسی نحوه بازتاب این دو مفهوم در ماده‌ی ۵۹۶ قانون مجازات ۳. اسلامی و تحلیل فلسفه تقنینی آن

ارائه راهکارهایی فقهی و حقوقی برای تفکیک دقیق این دو مفهوم در ۴.

غیررشید «کسی است که با وجود بلوغ سنی و عقلی، در تصرفات مالی» دچار سفه یا بی‌تدبیری است و از نظر فقهی در زمره‌ی محجورین قرار می‌گیرد. در فقه امامیه، عنوان غیررشید معمولاً مترادف با «سفيه» به‌کار می‌رود. شیخ انصاری در مکاسب می‌نویسد: «السفه هو تبذیر المال فی غیر موقعه لضعف العقل و قلة التدبیر» (انصاری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۵۴). بدین ترتیب، غیررشید بودن به‌معنای فقدان توانایی در اداره‌ی مال است نه الزاماً ضعف اخلاقی یا نقص روانی. در قانون مدنی ایران، ماده‌ی ۱۲۰۸ سفیه را چنین تعریف کرده است: «سفیه کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد». (این تعریف عملاً مفهوم فقهی رشد را در بُعد اقتصادی و اجتماعی بازتاب می‌دهد. از سوی دیگر ماده‌ی ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) (اصطلاح «غیررشید یا ضعیف‌النفس» را در کنار هم آورده است تا بر حمایت از اشخاص فاقد توان تمیز یا دارای نقصان اراده تأکید گردد. با این حال، چنان‌که برخی از نویسندگان حقوقی اشاره کرده‌اند، تفکیک دقیق این دو وصف در قانون به‌روشنی صورت نگرفته است) کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۹۲).

تفاوت‌ها و اشتراکات مفهومی مقایسه میان دو اصطلاح نشان می‌دهد که ضعف نفس «حالتی درونی و روانی است که منشأ آن انگیزه‌های اخلاقی» یا هیجانی است، در حالی که «غیررشید بودن» عنوانی حقوقی و عینی است که به رفتار اقتصادی و اجتماعی شخص مربوط می‌شود. به تعبیر «شهید ثانی در المسالک، رشد نشانه‌ی «سلامة العقل من زلل التدبیر» است، در حالی که ضعف نفس «فساد فی الاراده و غلبه الشهوة» به‌شمار می‌آید (شهید ثانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۶۸). (از لحاظ فقهی، هر فرد ضعیف‌النفس ممکن است غیررشید باشد، ولی هر غیررشید الزاماً ضعیف‌النفس نیست؛ زیرا نقص تدبیر مالی همیشه ناشی از ضعف اخلاقی یا هیجانی نیست. از منظر حقوق کیفری نیز تفاوت میان دو

مفهوم لغوی و اصطلاحی «ضعف نفس» (واژه‌ی «نفس» در لغت به‌معنای ذات، روح، حقیقت انسان و مبدأ اراده و شعور آمده است) (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۷۵۲). (ترکیب «ضعف نفس» در لغت به معنی «ناتوانی درونی» یا «سستی اراده» است. در اصطلاح فقهی و اخلاقی، ضعف نفس حالتی است که فرد در اثر غلبه تمایلات نفسانی شهوت یا ترس، از قدرت تصمیم‌گیری عقلانی و مقاومت در برابر «وسوسه‌ها محروم می‌گردد. در قرآن کریم، گرچه تعبیر «ضعف نفس» به‌صورت اصطلاحی نیامده است، اما مفاهیمی معادل آن همچون خسارت نفس (و «هوی نفس» بیان شده است): «أُرِيتَ مِنْ أَتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (جاثیه/۲۳) (که به تعبیر علامه طباطبایی، اشاره به تسلیم عقل در برابر خواهش نفس دارد) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۵۲). (از منظر فقه امامیه، ضعف نفس نقیض «قوت اراده» است و می‌تواند منشأ اختلال در صلاحیت تصمیم‌گیری باشد، اما به‌تنهایی موجب حجر شرعی نیست، مگر آن‌که به حد فقدان رشد یا جنون برسد) (نجفی، ۱۳۸۱، ج ۲۶، ص ۲۷۸). (فقهایی چون محقق نراقی در عوائد الایام، ضعف نفس را جنبه‌ای اخلاقی دانسته‌اند که خود زمینه‌ساز رفتار غیررشیدانه است و از حیث مسئولیت تکلیفی ممکن است موجب تخفیف در مؤاخذه شود، نه اسقاط کامل آن) (نراقی، ۱۴۰۸، ص ۲۴۱). (از این‌رو، ضعف نفس در فقه بیشتر به بُعد اخلاقی و قصدی شخصیت انسان مرتبط است تا جنبه‌ی حقوقی.

مفهوم لغوی و اصطلاحی «غیررشید بودن» (واژه‌ی «رشد» در لغت به معنی رسیدن به صواب، حسن تدبیر و صیانت از مال «آمده است») (ابن‌منظور» لسان العرب، ج ۳، ص ۲۴۵). (در اصطلاح فقهی، رشد حالت بلوغ عقلی است که شخص را قادر به تشخیص مصلحت و مفسده در امور مالی و اجتماعی می‌کند) (حلی، قواعد الأحکام، ج ۲، ص ۳۷۲). (بنابراین، فرد

خارج می‌شود) طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۲۳۸. (در منابع روایی نیز به این مفهوم اشاره شده است، چنان‌که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «أصل كل خطيئة ضعف النفس أمام الشهوة» (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۸) فقیهان امامیه بر اساس چنین بیانی، ضعف نفس را مقدمه‌ی نزلزل (۴۴۸) در اراده و در نتیجه نقصان در قدرت تصمیم‌گیری می‌دانند. از منظر فقهی ضعف نفس در صورتی اثر حقوقی دارد که به مرحله‌ی سلب توان تشخیص مصالح و مفاسد برسد. محقق حلی در شرایع الاسلام می‌گوید: «الضعيف عن التدبير لا يحجر عليه إلا مع ظهور السفه» (حلی، ۱۴۱۳) ج ۲، ص ۴۹۷؛ یعنی صرف ضعف در اراده موجب حجر نیست، مگر آنکه به رفتار مالی غیرعقلایی منتهی شود. تحلیل نجفی در جواهرالکلام نیز بر همین اساس است که ضعف نفس تا زمانی که به مرز اختلال عقلانی نرسد، اثر فقهی الزام‌آور در رفع اهلیت ندارد (نجفی ج ۲۶، ص ۲۷۹). (بر این پایه، در دستگاه فقه امامیه، ضعف نفس، ۱۳۸۱ وضعیت نفسانی‌ای است که از جهت تکلیف، می‌تواند باعث تخفیف مسئولیت اخلاقی و در مواردی خاص، تخفیف مجازات گردد؛ ولی از حیث وضعی، تنها در صورت تبدیل به سفه یا جنون موجب حجر می‌شود.

مبانی فقهی غیررشد بودندر فقه امامیه، مفهوم «رشد» از اصول ۵-۲ اساسی در باب اهلیت تصرف مالی است. قرآن کریم در آیه‌ی «وَأْتَلُوا أَلِيَّتَامِي حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء/ ۶) (ملاک رشد را در صلاحیت مالی و تدبیر اقتصادی معرفی کرده است. فقهای امامیه از این آیه نتیجه گرفته‌اند که بلوغ به‌تنهایی برای رفع حجر کافی نیست و احراز رشد شرط واگذاری اموال است) (طوسی، الخلاف، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۲۴). (علامه حلی در قواعد الأحكام رشد را «صلاح النفس فی التدبیر و حسن التصرف» تعریف کرده

وصف در تحقق جرم موضوع ماده‌ی ۵۹۶ اهمیت دارد؛ چراکه احراز غیررشد بودن مبنای حجر و عدم اهلیت است، در حالی که ضعف نفس بیشتر جنبه‌ی حمایتی و روانی دارد و در تعیین عنصر معنوی جرم مورد توجه قرار می‌گیرد) میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸، ص ۶۲۱)

ارتباط مفاهیم با اهلیت و حجر اهلیت در فقه و حقوق به دو بخش تقسیم می‌شود: اهلیت تمتع (قابلیت دارا شدن حق (و اهلیت استیفا) قابلیت اجرای حق) (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ص ۴۱۲). (فقدان رشد یا ضعف نفس بر دومی تأثیرگذار است. به تعبیر نجفی در جواهرالکلام، شخص غیررشد از اعمال حقوقی مالی ممنوع است، زیرا تصرف او مصلحت‌آمیز نیست) (نجفی، ۱۳۸۱، ج ۲۶، ص ۲۹۱). (در مقابل، ضعف نفس، مادام‌که به حد زوال عقل نرسد، موجب سلب اهلیت نمی‌شود، ولی ممکن است در میزان مسئولیت کیفری و مدنی مؤثر باشد

جمع‌بندی بر این اساس، «ضعف نفس» حالتی روانی و اخلاقی است که بر اراده و انگیزش درونی فرد اثر می‌گذارد و زمینه‌ی آسیب‌پذیری در برابر فریب یا گناه را ایجاد می‌کند، در حالی که «غیررشد بودن» وصفی حقوقی است که به ناتوانی در اداره‌ی صحیح امور مالی مربوط می‌شود.

مبانی فقهی ضعف نفس و غیررشد بودن. ۵

مبانی فقهی و قرآنی ضعف نفسمبنای نخست بحث ضعف نفس در ۵-۱ متون دینی، ناظر بر ساختار روح و اراده انسان است. قرآن کریم در آیات: متعدد به جنبه‌ی اخلاقی و ارادی انسان اشاره کرده است؛ از جمله: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس ۷-۸) (که بیانگر) قابلیت نفس انسانی در گرایش به خیر و شر است. بر اساس تفسیر علامه طباطبایی، ضعف نفس در این چارچوب به معنای غلبه‌ی قوه‌ی شهوانی یا غضبی بر قوه‌ی عاقله است و در نتیجه، تصمیم انسان از مسیر اعتدال

تفکیک فقهی، مبنای تحلیل تقنینی در ماده‌ی ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی است؛ جایی که قانون‌گذار با ترکیب دو وصف «ضعف‌النفس یا غیررشید بودن» سعی در پوشش هر دو نوع آسیب‌پذیری — اخلاقی و مالی — داشته است.

نتیجه‌گیری مبانی فقهی بر اساس آموزه‌های فقه امامیه: ضعف ۴-۵-
نفس، حالت نفسانی ناشی از غلبه‌ی شهوات بر قوه‌ی عاقله است که آثار اخلاقی دارد و تنها در صورت منجر شدن به سفه، اثر حقوقی پیدا می‌کند. غیررشید بودن، نقصان عقل عملی و تدبیر مالی است که موجب حجر و محدودیت در تصرف می‌شود. هر دو مفهوم در راستای هدف

بررسی مفاهیم در نظام حقوقی ایران. ۶

بازتاب مفاهیم ضعف نفس و غیررشید بودن در قوانین مدنی مبنای ۶-۱-
اهلیت و رشد در حقوق ایران مستقیماً از فقه امامیه اقتباس شده است، به موجب ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، محجورین سه دسته‌اند: صغار مجانین و اشخاص غیررشید. «ماده ۱۲۰۸ در ادامه می‌گوید: غیررشید «کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد این دو ماده، ترجمان فقهی مفهوم «سفه» هستند و ناظر بر جنبه‌ی مالی اهلیت می‌باشند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۷۵). (در قانون مدنی، ملاک

و سفه را «تذیر المال فی غیر موقعه» دانسته است (حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۷۴). (بنابراین، «غیررشید بودن» در فقه به معنای نقص در قوه‌ی تدبیر و بی‌کفایتی مالی است. شهید ثانی نیز در مسالک الأفهام می‌نویسد: «المناط فی الحجر هو ظهور السفه و فقدان حسن التقدير» (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۸۶). (از دیدگاه فقه امامیه، حجر بر غیررشید، حکمی وضعی است که محدوده‌ی تصرفات مالی او را محدود می‌سازد اما او همچنان واجد اهلیت تمتع و مکلف به تکالیف عبادی است. در نتیجه، حجر مالی تأثیر در تکالیف دینی ندارد) نجفی، ۱۳۸۱، ج ۲۶، ص ۲۸۱. (فقه‌های متأخر مانند امام خمینی در تحریر الوسیله نیز تصریح کرده‌اند که حجر غیررشید تنها در امور مالی جاری است و تصرفات دیگر او از قبیل نکاح یا طلاق در صورت عقلانیت و قصد معتبر می‌باشد) (تحریر الوسیله، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۴۵). (این تبیین فقهی تأثیر بسزایی در تحلیل حقوقی موضوع ماده‌ی ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی دارد؛ زیرا این ماده نیز حمایت از اشخاص فاقد رشد یا غیررشید را ناظر به امور مالی و معاملات می‌داند.

تبیین نسبت میان ضعف نفس و غیررشید بودن در فقه با بررسی ۳-۵-
متون فقهی روشن می‌شود که «ضعف نفس» و «غیررشید بودن» دو مفهوم هم‌پوشان ولی متمایزند. اولی از حیث اخلاقی و روانی ناظر به نقصان اراده و تسلیم در برابر تمایل نفسانی است، و دومی از حیث حقوقی ناظر به نقصان در قدرت تصمیم‌گیری عقلایی در تصرف مال. شیخ انصاری به این نکته اشاره دارد که «الضعف فی النفس قد یكون سبباً للسفه، ولكن لیس کل سفیه ضعیف النفس» «مکاسب، ج ۱، ص ۴۵۵. (در نتیجه، از دیدگاه فقه امامیه، ضعف نفس در صورتی که منجر به سفه گردد، آثار غیررشید بودن را در پی دارد و موجب حجر می‌شود، اما مادام که در حدود ضعف اراده باقی بماند، تنها جنبه‌ی اخلاقی و تکلیفی دارد. این

است. همچنین، رأی شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور (شماره ۸۶۴ - ۱۳۹۵) تأکید دارد که ضعف نفس در ماده‌ی ۵۹۶ اعم از سفته قانونی است و شامل حال اشخاصی می‌شود که هرچند از نظر قانونی رشید محسوب می‌شوند، اما به سبب سادگی، فریب‌پذیری یا ضعف اراده، قادر به دفاع از حقوق خویش نیستند.

تحلیل حقوقی تطبیقی در حقوق ایران، اگرچه مفهوم غیررشید بودن ۳-۶ در بستر مدنی معنا می‌یابد، اما با تصویب ماده‌ی ۵۹۶ ق.م.ا دامنه‌ی آن به قلمرو کیفری نیز تسری یافته است. این توسعه، از نظر فقهی مبتنی بر اصل «حمایت از انسان فاقد قدرت تمیز» است که از اصول عدالت کیفری اسلامی به شمار می‌رود. همان‌گونه که امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله بیان می‌دارد، رعایت حال محجور و صیانت از اموال او واجب کفایی است (تحریر الوسیله، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۴۷). قانون‌گذار نیز با گسترش شمول ضعف نفس، این اصل را در قالب جرم‌انگاری محقق ساخته است. بنابراین، می‌توان گفت قانون مجازات اسلامی با اقتباس از مبنای فقه امامیه، دو هدف اساسی را دنبال کرده است:

۱. حمایت از افراد فاقد رشد یا ضعیف‌النفس در برابر فریب و استثمار.
۲. برقراری عدالت کیفری بر مبنای تفاوت قابلیت اراده و تمیز در افراد. این نگاه حمایتی با رویکرد نظام‌های حقوقی اسلامی دیگر چون مصر و عراق نیز هم‌سو است؛ برای نمونه، ماده‌ی ۱۲۱ قانون جزای مصر نیز از «سوءاستفاده از ضعف یا ناتوانی ذهنی» سخن گفته است که نزدیک به مفهوم ضعف نفس در حقوق ایران است (عبدالمنعم بدوی، الفقه الجنائی الاسلامی، ۲۰۰۵، ص ۲۸۱).

چالش‌های تفسیری با وجود گسترش دامنه حمایتی، برداشت ۴-۶ ناهماهنگ از مفاهیم ضعف نفس و غیررشید بودن در میان حقوق‌دانان و قضات مشاهده می‌شود. برخی نویسندگان مانند نوربها (۱۴۰۰) ضعف

تشخیص رشد، صلاحیت فرد در حسن تصرف و رعایت مصلحت در امور مالی است و نه صرف بلوغ سنی. این برداشت برگرفته از فقه امامیه و آیه ۶ سوره نساء می‌باشد که آزمون یتیمان در تصرف مالی را تا احراز رشد مقرر کرده است. بنابراین، رشد و غیررشید بودن در بعد حقوقی اموری عینی و قابل احراز قضایی تلقی می‌شوند. در این معنا، ضعف نفس در نظام مدنی جایگاه مستقلی ندارد، زیرا این اصطلاح بیش از آنکه جنبه‌ی حقوقی داشته باشد، ماهیتی روانی و اخلاقی دارد. با این حال، قانون‌گذار در برخی موارد از جمله ماده‌ی ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی آن را به صورت مکمل غیررشید بودن آورده تا دایره‌ی حمایت کیفری از افراد آسیب‌پذیر را گسترش دهد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸، ص ۶۲۳).

جایگاه ضعف نفس و غیررشید بودن در قانون مجازات اسلامی ماده ۶-۲ (قانون مجازات اسلامی) ۱۳۹۲ (مقرر می‌دارد: «هر کس از ضعف ۵۹۶ نفس یا هوی و هوس یا حوائج شخصی فرد غیررشید یا محجور یا از اغفال اشخاص استفاده کرده و مالی از آنان بگیرد، علاوه بر رد مال و جبران خسارت، به مجازات حبس محکوم می‌شود»). این ماده یکی از مصادیق حمایت کیفری از اقشار فاقد رشد عقلی یا آسیب‌پذیر از نظر «روانی است. کاربرد هم‌زمان دو واژه‌ی «ضعف نفس» و «غیررشید بودن» در این ماده نشان می‌دهد که قانون‌گذار دو سطح از ناتوانی را مدنظر دارد: سطح اخلاقی و روانی: مربوط به ضعف اراده و تسلیم در برابر فریب یا وسوسه دیگران (ضعف نفس). سطح حقوقی و مالی: ناظر به نقصان در تشخیص مصلحت اقتصادی و تصرف عاقلانه در اموال (غیررشید بودن). (مطابق نظر دکتر اردبیلی در حقوق جزای عمومی قانون‌گذار در این ماده به جای توجه صرف به (ج ۲، ص ۳۵۱، ۱۳۹۹) حجر قانونی، عنصر «آسیب‌پذیری روانی و اخلاقی» را نیز در دایره حمایتی جرم سوءاستفاده وارد کرده و از این جهت نوآوری کرده

عنصر قانونی ۷-۱:

عنصر قانونی به مبنای تقنینی جرم اشاره دارد که مطابق اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، باید پیش از ارتکاب رفتار، در قانون پیش‌بینی شده باشد. منظور از عنصر قانونی جرم سوء استفاده از ضعف نفس اشخاص، جرم انگاری شدن این موضوع توسط قانونگذار می باشد. مطابق ماده قانون مجازات اسلامی، سوء استفاده از ضعف نفس افراد، جرم ۵۹۶ شناخته شده است، همچنین قانونگذار با تعیین مجازات برای این جرم عنصر قانونی آن را نیز محقق کرده است.

عنصر مادی ۷-۲:

از لحاظ فقهی میتوان عنصر مادی سوء استفاده از ضعف نفس شامل سه جزء اصلی دارا باشد: رفتار فیزیکی (فعل یا ترک فعل) (که در قالب فریب، اغوا، تهدید عاطفی یا بهره‌کشی از موقعیت ضعف بزه‌دیده بروز می‌کند. موضوع جرم که همان فردی است که دچار ضعف نفس بوده و قدرت تشخیص یا تصمیم‌گیری مستقل ندارد. نتیجه زیان‌بار که ممکن است مادی) مانند از دست دادن مال (یا معنوی) نقض حیثیت یا کرامت انسانی (باشد).

رابطه سببیت بین رفتار مرتکب و نتیجه نیز باید به اثبات برسد؛ بدین معنا که بدون آن سوء استفاده، زیان بزه‌دیده تحقق نمی‌یافت. و از لحاظ حقوقی عنصر مادی این جرم عبارت است از اخذ نوشته یا سند برای همین اخذ مال از شخص غیررشید با سوء استفاده از ضعف نفس او با اینکه مستقیماً موجب ورود ضرر به او می‌گردد مشمول حکم این ماده قرار نمی‌شود. اما در صورتی که اخذ نوشته یا سند که موجب التزام غیررشید شود و احتمالاً در مراحل بعدی ممکن است به ورود ضرر بالفعل به او منجر شود می‌تواند با وجود شرایط دیگر مشمول حکم ماده قرار بگیرد.

نفس را نوعی سغه روانی دانسته‌اند که باید همچون حجر مالی موجب محدودیت اهلیت گردد، در حالی که دیگران آن را صرفاً یک وضعیت اخلاقی می‌دانند که اثر فقهی مستقیم ندارد. همین اختلاف تفسیر، در رویه قضایی نیز سبب ناهمگونی در احراز شرایط قربانی جرم موضوع ماده ۵۹۶ شده است. افزون بر این، فقدان معیارهای عینی برای تشخیص ضعف نفس، اجرای دقیق قانون را دشوار کرده است. در حالی که غیررشید بودن با کارشناسی مالی یا روان‌شناسی قابل احراز است، ضعف نفس نیازمند تحلیل روانی یا اجتماعی است که در نظام حقوقی ما کمتر مورد پیش‌بینی قرار گرفته است (توکلی، ۱۴۰۲، ص ۵۴). نتیجه‌گیری در مجموع، بررسی مفاهیم در حقوق ایران نشان ۶-۵ می‌دهد: غیررشید بودن ریشه در قواعد فقهی حجر و رشد دارد و ماهیتی عینی و مالی دارد. ضعف نفس مفهومی جدیدتر است که برای پوشش ناتوانی روانی و فریب‌پذیری افراد به کار رفته است. ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی دو جنبه‌ی حمایتی و کیفری را توأمان دارد و گامی در راستای تلفیق مبانی فقهی با نیازهای جدید جامعه محسوب می‌شود. برای تحقق عدالت کیفری، ضرورت دارد معیارهای دقیق و فقهی‌محور برای احراز ضعف نفس در فرآیند دادرسی و کارشناسی تعیین گردد تا تفسیرهای سلیقه‌ای کاهش یابد.

ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده سوء استفاده از ضعف نفس در حقوق ۷. جزا

برای تحقق هر رفتار مجرمانه، احراز سه رکن اساسی یعنی عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی ضروری است. تحلیل این ارکان در مورد سوء استفاده از ضعف نفس به شرح ذیل می‌باشد.

نفسانی است که ناشی از غلبه قوه شهوانی یا عجز در برابر میل درونی بوده و به خودی خود اثر حقوقی ندارد؛ مگر در صورتی که موجب از بین رفتن قدرت تمییز گردد (نجفی، ۱۳۸۱، ج ۲۶، ص ۲۷۹). از نظر فقها شرط اساسی مسئولیت، قدرت عقل و اراده است، و هرگاه این دو تضعیف شوند، مسئولیت یا ساقط و یا کاهش می‌یابد. در مقابل، قانون مجازات اسلامی ضعف نفس را نه به معنای زوال عقل، بلکه نوعی ناتوانی روانی در دفاع از منافع شخصی «می‌داند. ماده ۵۹۶ ق.م.ا از» سوءاستفاده از ضعف نفس یا هوی و هوس «سخن می‌گوید که نشان» می‌دهد ضعف نفس در حقوق کیفری ایران، به جای آنکه وصف فاعل جرم باشد، وصف متضرر یا بزه‌دیده است. به تعبیر اردبیلی (۱۳۹۹، ج ۲، ص ۳۵۰)، قانون‌گذار با وام‌گیری از آموزه‌های فقهی، ضعف نفس را مبنایی برای حمایت از قربانیان فاقد مقاومت اخلاقی قرار داده است نه برای سقوط مسئولیت فاعل. در فقه امامیه، حکمی مشابه در باب «استغلال جاهل» و «تغریب» وجود دارد؛ یعنی فریب شخص فاقد قدرت تمییز یا شناخت مصلحت، که موجب ضمان فاعل می‌گردد (انصاری، مکاسب ج ۱، ص ۴۵۷). (به نوعی، ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی بازتاب همین قاعده فقهی تغریب است.

تطبیق مفهوم غیررشد بودندر فقه امامیه، غیررشد بودن به سفته ۸-۲ تعبیر شده است و مصداق بارز حجر مالی به شمار می‌آید. فقیهان از آیه نساء/۶ نتیجه گرفته‌اند که رشد شرط اصلی تصرف در اموال است. محقق حلی و شهید ثانی تصریح دارند که فقدان رشد، حتی با وجود بلوغ و عقل، موجب حجر است (حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۷۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۸۸). (در قانون مدنی ایران نیز همین مبنا پذیرفته شده است و غیررشد بودن از موجبات حجر محسوب می‌شود) مواد ۱۲۰۷ و ۱۲۰۸ ق.م.ا. (اما در قانون مجازات اسلامی، این مفهوم فراتر از منع تصرف مالی

شرط لازم برای تحقق این جرم نیز غیررشد بودن قربانی و اخذ نوشته یا سند با سوء استفاده از ضعف نفس ناشی از این عدم رشد است. به علاوه برای تحقق این جرم لازم نیست که نوشته یا سند گرفته شده موجب التزام شخص غیررشد شود بلکه ورود ضرر بالفعل به شخص غیررشد لازم نبوده و صرف احتمال ورود ضرر یعنی ضرر بالقوه کافی است.

عنصر معنوی ۷-۳:

عنصر معنوی یا روانی این جرم اهمیت اساسی دارد. مرتکب باید عالمانه و عامدانه از وضعیت ضعف نفس بزه‌دیده آگاه باشد و از آن برای نیل به مقصود غیرقانونی خود بهره گیرد. آگاهی از ضعف قربانی و قصد بهره‌کشی از آن، وجه تمایز رفتار مجرمانه از اعمال صرفاً غیراخلاقی است. در صورت فقدان علم یا نیت سوء، مسئولیت کیفری کامل احراز نخواهد شد. در مجموع، تحقق جرم سوءاستفاده از ضعف نفس مستلزم وجود رابطه‌ی وابستگی یا سلطه‌ی روانی است که مرتکب از آن برای رسیدن به منافع شخصی بهره می‌برد. این وضعیت در تعارض مستقیم با اصل کرامت انسانی و آزادی اراده بوده و از این رو، شایسته‌ی حمایت بیشتر نظام کیفری است. «اخذ نوشته یا سند از اشخاص غیررشد با سوء استفاده از ضعف نفس آنان» (از دو جزء سوء نیت عام) عمد در ارتکاب عمل نیز ملکی (یعنی عمد در اخذ نوشته یا سند از شخص غیررشد و سوء نیت خاص) (قصد نیل به نتیجه)، یعنی قصد ایجاد التزام برای شخص غیررشد تشکیل می‌شود.

مطالعه تطبیقی فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی. ۸.

مبنای تطبیقی مفهوم ضعف نفس در فقه امامیه، ضعف نفس حالتی ۸-۱

به موجب آیهی بقره/۱۸۸ ممنوع است. در قانون مجازات اسلامی نیز تصرف مالی از این طریق، جرم محسوب شده است. بنابراین، هر دو نظام بر حرمت استفاده از آسیب‌پذیری شخصی دیگر اجماع دارند، اما، تفاوت در ماهیت ضمانت اجراست؛ در فقه، ضمان مدنی و در قانون مجازات کیفری است. نتیجه‌گیری تطبیقی مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که قانون مجازات اسلامی با الهام از فقه امامیه، از مدل تعریفی حجر و رشد عبور کرده و مفهوم ضعف نفس را با نگاهی اجتماعی و کیفری «بازتعریف کرده است. فقه، محور بحث را «اهلیت و صلاحیت مکلف قرار می‌دهد، در حالی که قانون محور را «حمایت از قربانی فاقد رشد یا اراده» می‌داند. از منظر عدالت کیفری اسلامی، این هم‌گرایی نشان می‌دهد، که قانون‌گذار کوشیده است با تکیه بر مبانی فقهی همچون قواعد لاضرر سلطنت و احترام مال المسلم، تعادلی میان آزادی اراده و حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر برقرار کند. در نتیجه، نظام حقوق کیفری ایران را می‌توان نظامی دانست که در آن فقه امامیه، نه تنها منبع مشروعیت، بلکه مبنای عدالت حمایتی نیز به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری کلی پژوهش حاضر نشان داد که مفاهیم «ضعف نفس» و «غیررشد بودن» هرچند از نظر لغوی و ظاهری نزدیک به یکدیگرند، اما «از حیث مبانی فقهی، حقوقی و آثار عملی تفاوت‌های بنیادین دارند. در فقه امامیه، ضعف نفس مفهومی اخلاقی و نفسانی است که ناظر بر جنبه‌ی ارادی و روانی شخص بوده و آثار آن بیشتر در حوزه‌ی مسئولیت تکلیفی و اخلاقی ظاهر می‌شود. این مفهوم در منابعی مانند المیزان علامه طباطبایی (ج ۱۸، ص ۳۵۲ (و عوائد الایام نراقی) ص ۲۴۱ (بیانگر ضعف اراده در برابر تمایلات نفسانی است و تنها در صورتی اثر فقهی می‌یابد

تفسیر شده و در ماده‌ی ۵۹۶، جنبه‌ی حمایتی کیفری یافته است. یعنی اگر شخصی از ناتوانی و بی‌تدبیری فرد غیررشد در حوزه مالی بهره‌برداری نماید، مرتکب جرم مستقل شده است. این توسعه، مطابق با روح قواعد فقهی همچون احترام مال المسلم و نفی غرر است (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۲۹۵).

مقایسه در آثار و قلمرواز نظر آثار حقوقی، در فقه امامیه، غیررشد. ۳-۸ از تصرف در اموال خود منع می‌شود و تصرف او غیرنافذ است، حال آن‌که ضعف نفس چنین اثری ندارد. اما در قانون مجازات اسلامی، هر دو وصف سبب می‌شوند که فرد حمایت‌شده‌ی قانون باشد و رفتار فریب‌کارانه علیه او جرم تلقی گردد. بنابراین، فقه امامیه بیشتر بر مسئولیت شخص غیررشد تمرکز دارد، در حالی که قانون مجازات اسلامی بر مسئولیت کیفری فریب‌دهنده. از نظر قلمرو، فقه امامیه تفکیکی روشن میان ارکان اخلاقی (ضعف نفس (و اقتصادی) سفه مالی (ارائه می‌کند. قانون مجازات اسلامی، با جمع این دو در ماده‌ی ۵۹۶، هر دو جنبه را با یک رویکرد حمایتی تلفیق کرده است. این رویکرد، به تعبیر میرمحمد صادقی (۱۳۹۸، ص ۶۲۵)، نشانگر تحول حقوق کیفری ایران از مسئولیت فردی صرف به عدالت حمایتی بر مبنای فقه است.

تطبیق در رکن معنوی و عنصر مادیاز حیث عناصر جرم: در فقه ۴-۸ استفاده از مال غیر به سبب فریب یا استغلال جاهل، موجب ضمان مدنی و تعزیر است. عنصر روانی در این حالت، قصد فریب و اغتنام فرصت غفلت دیگری است (انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۴۶۱). (در قانون مجازات اسلامی: همین معیار به عنوان رکن معنوی جرم ماده‌ی ۵۹۶ به رسمیت «شناخته شده است؛ شخص باید» به قصد استفاده نامشروع و با سوءنیت از ضعف یا سفه دیگری نزدیک شود. از نظر عنصر مادی نیز، فقه امامیه گرفتن مال دیگری از طریق فریب را نوعی اکل مال به باطل می‌داند که

«حجر و رشد: احاطه‌ی دقیق بر مفاهیم فقهی مانند «سفه»، «بلوغ عقلی و «صلاح تدبیر» می‌تواند در تحلیل و تطبیق بهتر قوانین کیفری مؤثر باشد. گسترش رویکرد حمایتی در سیاست جنایی اسلامی: همان‌گونه که امام خمینی در تحریر الوسیله (ج ۲، ص ۴۴۷) تصریح کرده‌اند، حفظ حقوق محجور و صیانت از ضعیفان از وظایف شرعی جامعه‌ی اسلامی است. بنابراین، لازم است سیاست‌های کیفری به‌سوی عدالت ترمیمی و حمایتی سوق پیدا کند.

پیش‌بینی مجازات‌های مشدد برای مرتکبان آگاه ۳.

در صورتی که مرتکب با علم به وضعیت روانی یا ناتوانی ذهنی بزه‌دیده عمداً از آن استفاده کرده باشد، قانون باید این آگاهی را عامل مشدد مجازات بداند. چنین سیاستی موجب بازدارندگی بیشتر و حمایت مؤثرتر از افراد آسیب‌پذیر خواهد شد.

گسترش حمایت کیفری از بزه‌دیدگان ۴.

ضروری است در حقوق کیفری ایران نهادهایی مشابه «حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر» ایجاد گردد تا اشخاص دارای ضعف نفس بتوانند از خدمات روان‌درمانی، مشاوره حقوقی و حمایت اجتماعی برخوردار شوند. اختصاص دادگاه‌های ویژه و قضات آموزش‌دیده نیز می‌تواند به اجرای بهتر عدالت کمک کند.

آموزش و آگاه‌سازی عمومی ۵.

از آنجا که بسیاری از موارد سوءاستفاده از ضعف نفس در سکوت و عدم آگاهی قربانیان رخ می‌دهد، اجرای برنامه‌های آموزشی برای ارتقای آگاهی عمومی و تقویت توان روانی و تصمیم‌گیری افراد جامعه، به‌ویژه در گروه‌های آسیب‌پذیر، ضرورت دارد. در مجموع، مواجهه با پدیده‌ی سوءاستفاده از ضعف نفس مستلزم نگرشی هماهنگ میان قانون‌گذار دستگاه قضایی، نهادهای حمایتی و جامعه مدنی است تا از یک‌سو

که به مرحله‌ی سفه یا فساد تدبیر برسد. در مقابل، غیررشد بودن مفهومی حقوقی و اقتصادی است که به صلاحیت عقلانی فرد در اداره‌ی اموال خود مربوط می‌شود. فقه امامیه با استناد به آیه‌ی ۶ سوره نساء، رشد را شرط تصرف در مال دانسته و هرگونه رفتار مالی غیرعقلایی را نشانه‌ی «حجر تلقی کرده است» (حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۷۴؛ شهید ثانی، ج ۳، ص ۲۸۸). (قانون مدنی ایران نیز در مواد ۱۲۰۷ و ۱۲۰۸ بر، ۱۴۱۵ اساس همین مبنا تنظیم شده است. اما قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در ماده ۵۹۶ این دو مفهوم را در کنار هم آورده و از آن‌ها برای تعریف جرم سوءاستفاده از ضعف نفس یا غیررشد بودن «بهره‌گرفته است» بدین ترتیب، قانون‌گذار رویکردی حمایتی اتخاذ کرده و دایره‌ی حمایت کیفری را از صرف حجر مالی به ضعف اراده‌ی روانی و اخلاقی نیز گسترش داده است) میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸، ص ۶۲۵. (این برداشت تطبیقی نشان می‌دهد که فقه امامیه به‌عنوان منبع الهام، مبانی نظری لازم برای این توسعه را فراهم کرده است؛ زیرا در قواعد فقهی همچون لاضرر، تغیر و احترام مال المسلم، حمایت از انسان ناتوان به‌روشنی تصریح شده است) نجفی، ۱۳۸۱، ج ۲۶، ص ۲۸۱. (به‌طور کلی می‌توان گفت: در فقه امامیه، محور تحلیل «اهلیت و حجر» است. در قانون مجازات اسلامی، محور تحلیل «حمایت از اشخاص فاقد رشد یا ضعف اراده» است. این دو دیدگاه در هدف نهایی مشترک‌اند، یعنی صیانت از حقوق آسیب‌پذیران و تحقق عدالت کیفری.

تدوین معیارهای قضایی و کارشناسی برای احراز ضعف نفس: ۲. بهره‌گیری از یافته‌های روان‌شناسی و فقه‌الاجتماع، لازم است معیارهای عینی و فقهی برای تشخیص ضعف نفس تدوین گردد تا دادگاه‌ها در تشخیص مصادیق به وحدت رویه برسند (توکلی، ۱۴۰۲، ص ۵۴). (آموزش قضات و کارشناسان حقوقی در زمینه‌ی مبانی فقهی

آسیب‌پذیر فراهم کرده است و قانون مجازات اسلامی این مبانی را از حوزه‌ی مدنی به قلمرو کیفری گسترش داده است. تمایز دقیق این دو مفهوم، ضمن تقویت عدالت کیفری، مانع تضییع حقوق اشخاص فاقد توان تصمیم‌گیری و نیز پیشگیرنده از سوءاستفاده‌ی مجرمانه از ضعف دیگران خواهد بود.

کرامت انسانی حفظ شود و از سوی دیگر، امکان پاسخ کیفری مؤثر به مرتکبان فراهم گردد.

جمع‌بندی نهایی در پرتو این پژوهش، آشکار شد که ضعف نفس و غیررشید بودن دو مفهوم مکمل و نه مترادف‌اند. فقه امامیه با تأکید بر رشد عقلانی و صیانت مال، مبانی نظری محکمی برای حمایت از انسان

منابع

- اسلامی، ج ۱۸ و ۲۰، ۱۳۷۴ ش
ب (منابع حقوقی) فارسی)
انصاری، شیخ مرتضی. مکاسب. ترجمه سید حسن امامی. تهران: انتشارات
اسلامی، بی تا
اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی. جلد دوم. تهران: میزان، ۱۳۹۹
توکلی، محمدرضا. تحلیل جرم سوءاستفاده از اشخاص غیررشد در رویه
قضایی. «فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی»، سال ۸، شماره ۲
۱۴۰۲.
جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش، ۱۳۹۰
کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی: اشخاص و محجورین. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶
میرمحمدصادقی، حسین. شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و
مجازات‌ها). (تهران: میزان، ۱۳۹۸
«نوری‌زاد، احمد». تحلیل فقهی و حقوقی مفهوم سفه و رشد در حقوق ایران
پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۲، شماره ۴، ۱۴۰۰
نوربها، رضا. حقوق جزای عمومی (تحلیل تطبیقی مسئولیت کیفری). (تهران
دراک، ۱۴۰۰
هاشمی، سیدمحمد. حقوق اساسی و عدالت کیفری در اسلام. قم: پژوهشکده
فقه اسلامی، ۱۴۰۰
یوسفی، سیدعلی و احمدی، نسرين. بررسی تطبیقی حجر ناشی از سفه در
فقه امامیه و حقوق ایران. «فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی»، شماره ۲۷
۱۴۰۱.
الف (منابع فقهی و اسلامی) عربی)
- القرآن الکریم. سوره نساء، آیه ۶؛ سوره بقره، آیه ۱۸۸؛ سوره شمس، آیات ۷
؛ سوره جائیه، آیه ۸۲۳
الکلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۵، ۱۳۶۵ ش
الطوسی، محمد بن حسن. الخلاف فی فقه الإمامیه. قم: مؤسسه النشر
الإسلامی، ج ۳، ۱۴۰۷ ق
العلامة الحلی، جعفر بن حسن. قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام. قم.
مؤسسه آل‌البیت، ج ۲، ۱۴۱۳ ق
الشهید الثانی، زین‌الدین بن علی الجبعی. المسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع
الإسلام. قم: داراحیاء التراث العربی، ج ۳، ۱۴۱۵ ق
النجفی، محمدحسن. جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: داراحیاء
التراث العربی، ج ۲۶ و ۲۵، ۱۳۸۱ ق
الأنصاری، مرتضی. مکاسب. قم: مؤسسه آل‌البیت، ج ۱، ۱۴۰۹ ق
النراقی، ملا احمد. عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام. قم: دارالمرتضی
ق. ۱۴۰۸
الخمینی، روح‌الله. تحریر الوسيلة. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
ج ۲، ۱۴۰۳ ق
الطباطبائی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات